

میدون و سوفیا

الوترامپ؟ بمبت کو؟



پوریای عالمی

الو سوفیا... الو عشقم... الو...

-بفرمایید! بنده ترامپ هستم.

آقا من به سوفیا زنگ زدم، چرا شما برداشتی؟
-من از سی‌آی‌ای و اف‌بی‌آی خواستم با استفاده از برادرای بخش جاسوسی کاری کنند که یک ایرانی به من زنگ بزند.

: خیلی کار زشتی کردی. من دوست دارم با سوفیا حرف بزنم.

-من هم دوست دارم با شما حرف بزنم.

: تو اصلا کی هستی؟

-من دونالد ترامپ هستم.

همون که کازینو داره؟

-بِـسرم! من علاوه‌بر کازینو‌داری، رئیس‌جمهور هم هستم!
: چه جالب.

-پسرا! باورم نمیشه دارم با یه ایرانی حرف می‌زنم.
: آره واقعا! من یه‌بار با احمدی‌نژاد تلفنی حرف زدم، یه‌بار با تو! این نشون میده من برم دریا - از شناس زیاد - باید یک آفتابه آب ببرم که یک‌موقع آب قطع نباشه.

-ببینم پسرا! تو عاشق آمریکا نیستی؟ دوست نداری بیای اینجا؟
: همون داداشم!پنارو به کاری کردی جرئت نکنند از ایالتشون خارج بشن مبادا دیپورتشون کنی، دست درد کنه.

-تو هم خیلی سخت‌گیری‌ها.

: نه! من خیلی منطقی‌ام.

-پسرا! ما باید با هم مذاکره کنیم. بیشتر به من زنگ بزنید.

: خب وقتی تحریم کردی چه حرفی بین ما می‌مونه؟

-خب شما چرا هی برای من شاخ‌وشونه می‌کشید؟ من هم تحریم می‌کنمتون. جای اینکه از من بپرسید چرا، از خودتون بپرسید چرا! چندا کشور توی دنیا تحریم هستند؟

-بین ترامپ! تو به من استرس میدی.

-چرا؟ من که اهل مذاکره هستم. با کره‌شمالی هم مذاکره کردم.

: نتیجه چی شد؟

-هیچی! اون رفت با روسیه مذاکره کرد!

: واقعا ببین تو کی هستی که آدم‌ها از دستت حاضرنند برون با پوتین حرف بزنند.

-ولی همه مردم دنیا عاشق آمریکا هستند، آمریکا هم که یعنی من! پس مردم دنیا عاشق من هستند. هر کسی غیر این فکر کنه سمنش بمب پرت می‌کنم‌ها...
: ترامپ‌جان! یک لحظه گوشه‌ی! فکر کنم تو باید مستقیم با حسن عباسی و رافنی‌پور و اینا صحبت کنی! چون جهان‌بینی‌تون خیلی شبیه همه!
: من سوفیا را دوست دارم، من آمریکا را دوست دارم، ولی تو را دوست ندارم ترامپ!
-جدی؟ پس بگیر که اومد... این هم از موشک جنابعالی!

پرنده آبی

سفر به پایین‌تر از خط فقر

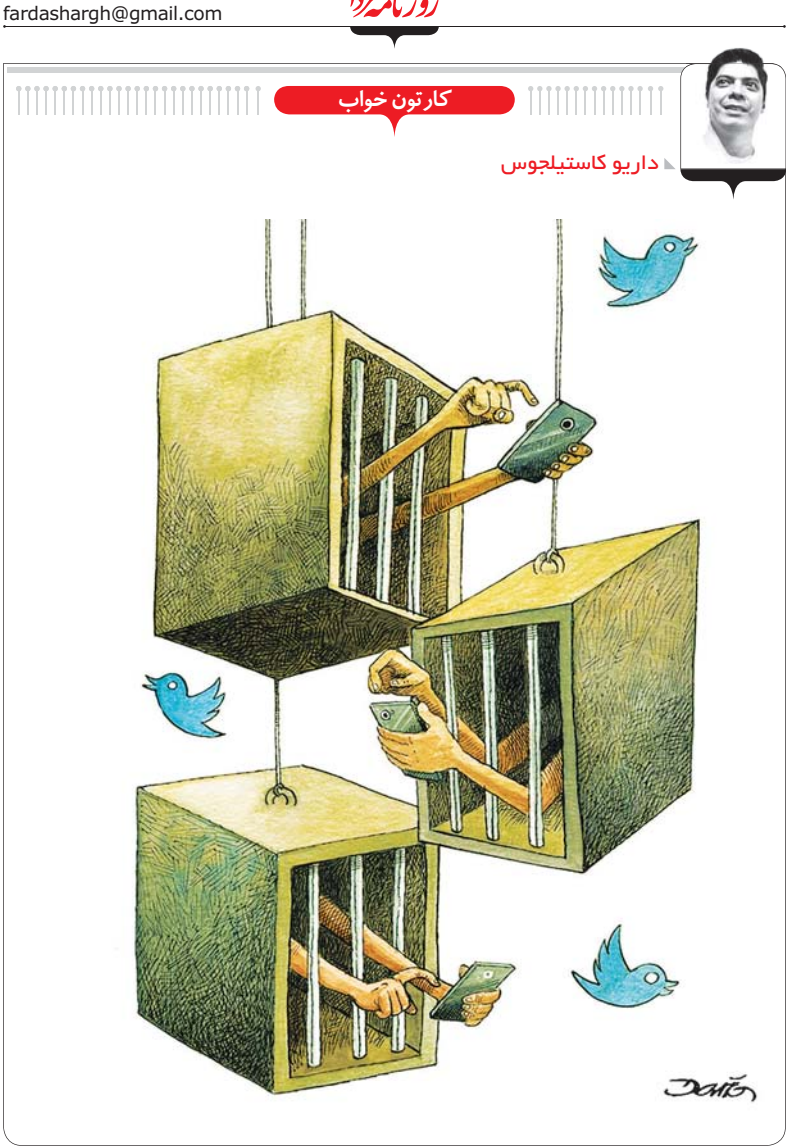
• عضو کانون شورای کار گفته است که خط فقر سه میلیون و ۷۵۰ هزار تومان است. این اطلاع‌رسانی سبب شد تا بسیاری در شبکه‌های اجتماعی از تفاوت حقوق تصویب‌شده برای سال ۹۸ و خط فقر واکنش داشته باشند.
درواقع خط فقر دوبار بر حداقل حقوق قانون کار بوده و در نتیجه بخش بزرگی از جمعیت کشور - برخی معتقدند حداقل ۳۴ درصد - زیر خط فقر قرار می‌گیرند. البته برخی دیگر نیز وضعیت کنونی کارخانه‌ها را که به سبب تحریم دچار مشکل هستند یادآوری کردند. مفهوم انتزاعی خط فقر! نیز از گذشته تاکنون محل حرف‌و‌حدیث بوده است. یکی از کاربران نوشته بود که تا چندسال پیش مرفه بی‌ درد بودم، بعد شدم بچه‌پولدار، بعد کم‌کم به آدم معمولی که از رفاه نسبی برخورداره، تا پارسل به کارمند بومد که زندگی‌ام می‌گذشت، امروز در سال جدید کلا یک حقوق علی‌الحساب گرفته‌ام و الان موندم با لپ‌تاپ و دندون خراب چه کنم یا دیگری مجموعه‌ای از جداول را درباره وضعیت مسکن از سامانه اطلاعات بازار املاک ایران یا سابا استخراج کرده بود که طی آن مشخص می‌شد میانگین اجاره یک واحد ۵۰ متری در شهر تهران حدود سه میلیون تومان است. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، بی‌کاری بیش از ۵۰ درصد است و ۱۲ میلیون خانوار زیر خط فقر هستند، البته آمارهایی نظیر بودن در رتبه پنج عصبانی‌ترین مردم جهان و بودن در فهرست ۱۰ کشور بی‌اعتبار از نظر پاسپورت هم مورد توجه کاربران قرار گرفته است. از نظر یکی از کاربران، به تبع گران‌ها سفر می‌کنیم به نقاط دور دست‌تری از خط فقر. درحال‌حاضر کارگران روزی هشت تا ۱۲ ساعت با تنها سرمایه‌شان؛ یعنی نیروی کارشان فعالیت می‌کنند و در انتها با درآمد دو میلیون تومان ماهانه که کمتر از خط فقر است به زحمت زندگی می‌کنند. درحال حاضر هم که تحریم فضای سخت‌تری را به وجود آورده‌اند، مثلا همین تحریم فولاد که برخی مشاغل را مستقیما تهدید می‌کند.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

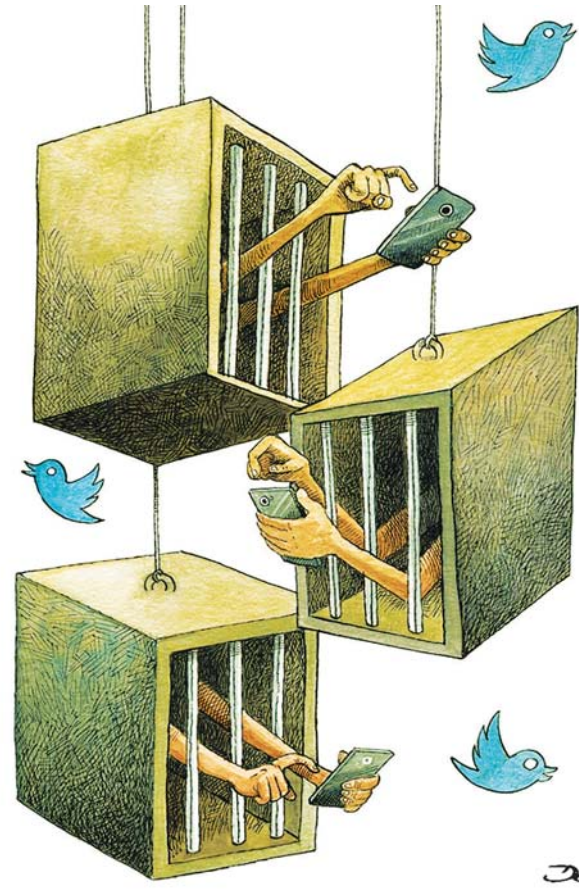
دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۷ رمضان ۱۴۴۰ • ۱۳ می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۲۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۰ • اذان صبح فردا ۴:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

روزنفرها



کارتون خواب

داریو کاستیلیجوس



زنان

حمایت اجتماعی برای توانمندسازی زنان

سه نفر از پژوهشگران حوزه زنان، پاکاما نشونگوانا از دانشگاه نلسون ماندلا ی آفریقای جنوبی، نیکولا انسئل، استاد دانشگاه برول در لندن و کتی رولن، مدیر مرکز حمایت اجتماعی از برایتون انگلستان، در مقاله مشترکی به موضوع نیاز مبرم و فوری حمایت اجتماعی از زنان پرداخته‌اند که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم.

زیستن عزت‌مند و فارغ از نیازمندی، حق اساسی بشر است. حمایت اجتماعی کلید حفظ این حق است و تضمینی بر اینکه مردم بتوانند از فقر و ناامنی نجات پیدا کنند. به همین دلیل، حمایت اجتماعی در کانون راهبردهای پایان‌دادن به فقر جهانی تا سال ۲۰۳۰، اولین هدف از ۱۷ هدف توسعه پایدار سازمان ملل است. اگر این استراتژی‌ها بخواهد مؤثر باشد، باید فراتر از حدود فعلی برود، به‌ویژه درباره زنان.

در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها -به‌ویژه در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و کارائیب- کام‌های بزرگی در راستای بهبودبخشیدن به حمایت اجتماعی برداشته شده است؛ اما اکثر سیاست‌ها و ابتکارها ناکافی بوده‌اند و تقریبا چهار میلیارد نفر هنوز هیچ‌گونه حمایت اجتماعی‌ای نمی‌شوند. از آنجایی که زنان بیشترین آمار کار غیرقانونی را دارند، بیش از همه از این کاستی رنج می‌برند.

موضوع حمایت اجتماعی ماه گذشته در شصت‌وسومین کمیته وضعیت زنان سازمان ملل مطرح شد. سازمان‌های غیردولتی، فعالان، سیاست‌گذاران و دانشگاهیان با طرح ابتکاراتی برای افزایش اشتغال و حمایت اجتماعی ازجمله خدمات مراقبت از کودکان، خواستار افزایش حمایت از زنان در بازار کار شدند. با نگاهی به کشورهای موفق مانند ایسلند و نروژ، شرکت‌کنندگان توافق کردند فقط در صورت برابری و پرداخت دستمزد بدون شکاف جنسیتی می‌توان قابلیت‌های دختران و زنان را به تمامی محقق کرد.

اولین گام در راستای طراحی راهبردهای مؤثر، رسیدن به شناخت دقیق‌تر از مشکلات بسیاری از زنان در تلاش برای برعهده‌گرفتن مسئولیت‌های گسترده است. به‌جز کارهای «نادیدنی» زنان در خانه، از اغلب زنان خانواده‌های کم‌درآمد انتظار می‌رود درآمد هم کسب کنند. برای مثال، اکثریت کارگران بخش خدمات عمومی را زنان تشکیل می‌دهند. فشار شدیدی روی دوش مادران بدون شوهر است. این مسئله ه هر لحاظ چالش‌برانگیز است؛ اما برای زن فقیری با تحصیلات اندک و کمترین دسترسی به حمایت اجتماعی، دشواری بسیار بیشتر است. مشکلات ناشی از «فرهنگ وابستگی» نیز اوضاع را بدتر می‌کند؛ اما این واقعیتی است که زنان در بسیاری از کشورها با آن مواجه‌اند.

فریدون صدیقی



روزنامه‌نویسی آیا فقط نشر خبر و تحلیل خبر است؟ یا تنویر و مهندسی افکار عمومی هم هست؟ یعنی فراتر رفتن از هیاهوی جنتلمن ساسی مانکن و واکنش هیجانی، عصبی و عجلوانه برخی مسئولان هم هست؟ به گمانم هست چون کار روزنامه حتی پیش‌بینی آینده برای تعیین چگونگی گفتار و رفتار کنونی ما نیز هست. همان چیزی که می‌توان در بازتعریف پیش‌بینی، از آن به عنوان اندیشیدن به آینده برای توجه به کیفیت گذشته و اکنون یاد کرد.اما دریغ و درد از بی حرمتی به روزنامه‌نویسی و به کاغذنویسی، به تولید تفکر و اندیشه و به خواندن و نوشتن. اما دریغ و درد از کمبود کاغذ، از کم‌رنگی قلم و نوشتن از چیزهایی که فرجام آن روزنامه‌نویسی متغفل، مظلومیت روزنامه‌نویس و صیوری غم‌انگیز کاغذ است.روزهایی از هفته، روزنامه‌هایی را روی پیشخوان نمی‌بینم. متأسفم که داریم مردمان محجوب را به نبود و کمبود روزنامه و در نتیجه به صرف‌نظر کردن از آن عادت می‌دهیم یا به‌دلیل فزونی بهای روزنامه و مجله خواننده را به نخریدن دعوت می‌کنیم و این یعنی درمان را در بحران هویت، بحران نفوذ اجتماعی، بحران عدم مشارکت، یگانگی و وحدت رها می‌کنیم.

نگاه سبز

نابودی جاکارتا و شادمانی قدرت‌سالاران ابله!



محمد درویش

رئیس‌جمهور منتخب اندونزی اخیرا برنامه‌هایی برای جابه‌جایی پایتخت کشور از جاکارتا - شهری که دارای یکی از بالاترین مقادیر فرونشست زمین در دنیاست - اعلام کرد. گزارش از سال ۲۰۱۸ می‌گوید که جاکارتا، واقع در جزیره جاوه، یکی از آسیب‌پذیرترین شهرهای دنیا در ارتباط با بالاآمدن سطح دریاها در نتیجه تغییرات اقلیمی است. این شهر با میزان تقریبا ۱۰ اینچ در سال به دلیل استخراج منابع آب زیرزمینی و وزن ساختمان‌هایش در حال فرونشست است. افزایش احتمالی سطح آب‌ها در حد ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر تا سال ۲۱۰۰ - حتی اگر افزایش دمای زمین در حد ۱.۵ تا دو درجه سلسیوس بماند - شرایط را وخیم‌تر خواهد کرد. بنا بر گزارش فایننشال‌تایمز، رئیس‌جمهور اندونزی، ژوکو ویدودو گفته که «در جزیره جاوه ۵۷ درصد از کل جمعیت اندونزی- بیش از ۱۴۰ میلیون نفر- زندگی می‌کنند و توانایی تأمین زندگی آنها چه از لحاظ منابع طبیعی مانند آب و چه تردد در آینده امکان‌پذیر نخواهد بود و از این رو من تصمیم گرفتم تا به بیرون از جاوه نقل مکان کنم». فرونشست جاکارتا مشکلی برای آخر این قرن نیست. بنا بر محاسبات مؤسسه فناوری Bandung در اندونزی ۹۵ درصد از شمال جاکارتا تا سال ۲۰۵۰ زیر آب خواهد رفت. جاکارتا همچنین در هر دهه شاهد یک سیلاب شدید است و آنچنان پرازدحام‌که هزینه سالانه ترافیک آن برای اندونزی هفت میلیارد دلار برآورد شده است.گزینهای برای پایتخت هنوز انتخاب نشده و رئیس‌جمهور از وزرای کابینه خواسته تا پیشنهادهای خود را ارائه دهند. وزیر برنامه‌ریزی اعلام کرده که پایتخت جدید احتمالا در مرکز کشور خواهد بود تا بر حس برابری و عدالت تأکید شود، آب آشامیدنی کافی در اختیار داشته باشد و در برابر فجایع طبیعی مانند زلزله، سیل یا فوران آتشفشانی نسبتا مصون بماند. در حال حاضر Palangkaraya در کالیمانتان در اولویت نخست قرار دارد، اما موجب نگرانی نقل مکان انسان‌ها به این منطقه جنگلی است. کالیمانتان به‌های زمین محسوب می‌شود که با نقل مکان احتمالی پایتخت تا آنجا از دست خواهد رفت. برخی از مردم اندونزی کلا درباره جابه‌جایی پایتخت تردید دارند. این بحث از زمانی که اندونزی استقلال خود را در سال ۱۹۴۶ از هلند به دست آورد، وجود دارد. وزیر برنامه‌ریزی تخمین می‌زند که برای اجرای این تصمیم به ۱۰ سال زمان و ۳۳ میلیارد دلار نیاز است.

خواننده عزیزروز «شرق»!

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بر جمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان به نخستین قربانی جدی جهان‌گرایی بدل شده و در همان حال، مایک پمپو از آب‌شدن یخ‌های قطبی در شمالگان ابراز شادمانی کرده و از رونق اقتصادی جدید در ایسلند بخیزده سخن می‌گوید. هرچند در مالدیو، اندونزی و شانگهای بالاترین میزان خشم -به وزیر خارجه آمریکا بابت چنین سخنان کوتاه‌بینانه و آلزمنده‌ای نشان داده شده، اما حقیقت این است که فرجام دنیا با وجود چنین ابلهان قدرت‌سالاری که بویی از اخلاق و جوانمردی نبرده‌اند، از این چیزی که هست، سیاه‌تر خواهد شد...

یادداشت

روزنامه‌نگاری در روزگار سیل، ساسی و سایرین

سطحی و بی‌محتوا، تنها خبر از بی‌خبری یا از بحران‌های نامکشوف می‌دهند؛ پس آنچه هست مفاهیم تهی از گزاره‌های حقیقی و حقوقی است.

آیا بحران کاغذ یعنی بحران ازدست‌رفتن مخاطب، پاک‌کردن حافظه تاریخی مردمانی محترم از حضور روزنامه‌ها و مجله‌ها روی پیشخوان‌ها؟ یعنی بلاموضوع‌کردن دانشکده‌ها و مراکز آموزش روزنامه‌نگاری و آوارگی روزنامه‌نگاران کنونی و تبدیل‌کردن کیوسک‌های مطبوعاتی به پیشخوان جای داغ و بیسکویت ساقه‌طلایی؟ آیا سرنوشت رادیو و تلویزیون و البته سینما در انتظار مطبوعات است؛ عصر جدید و رحمان ۱۴۰۰؟ پاسخ به این پرسش‌ها دشوار نیست تا وقتی که نظام آموزشی اسیر توهمتا، دانشجویان بی‌انگیزه، تحریریه‌ها در کابوس بودن یا نبودن و کیوسک مطبوعاتی بی‌رونق‌تر از همیشه در تنسخر کیک، سیگار و چیپس هستند؛ تا زمانی که روزنامه‌نگاران در رنج اسنپ‌رانی و تشکل‌های مطبوعاتی بدون اعتبار و اهمیت شایسته و قابلیت‌های سرازار قانونی هستند و تا وقتی که خوانندگان فرضی مطبوعات و بینندگان فرضی رادیو و تلویزیون بر این باور پای می‌فشارند که صد سال جلوتر از رسانه‌ها در کسب خبر و تحلیل رویدادها هستند. امید به فردای روشن کیوسک‌ها، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری به‌مثابه شتازکردن در دریای خزر یا دست و پای بسته است! من اما مثل همیشه بسی امیدوارم که به ساحل می‌توان رسید، چون فردا روز دیگری است.

آکادمی

دوباره گرما، دوباره ترومبوز سینوسی



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

جوان تومندی است، اما توانمندی‌های فکری و هنری‌اش تومندتر. هنرمند نام‌آوری است. مثل تمام این طایفه محنت و مرارت بسیار کشیده، اما همچنان راست و استوار کار خود را بی می‌گیرد. نه کناره می‌گیرد و نه تغییر مسیر می‌دهد. به همین خاطر بود که ماه گذشته کار روی آخرین اثر هنری‌اش را در پستوی کوچک خانه‌اش آغاز کرد؛ کاری آکنده از نبوغ همراه با تنگ‌نظری و تلاش شبانه‌روزی بی‌توجه به خواب و خوراک و استراحت و تنها با هدف تولید اثری «دوست‌داشتنی» به زلالی چشمه‌ای در دور دست! تنها سه هفته بعد همراه با آغاز گرمای هوا، نیمه‌شب‌ها و را با سردرد و حالت نیمه‌کما به بیمارستان ما آوردند تا ثابت شود ترومبوز سینوسی جوان و پیر، زن و مرد، فقیر و غنی، کارگر و کارمند، عامی و هنرمند نمی‌شناسد. تنها راننده تاکسی و خانم چاق تحت درمان با داروهای ضدحالمگی و کاشورازی که زیر آفتاب کار می‌کند، در خطر نیستند. هرکس حتی هنرمندان هم با «عرق‌ریزی روح» در برابر بی‌آبی بدن و بروز انسداد در عروق تخلیه‌کننده مغز آسیب‌پذیر هستند. هرساله در آغاز تابستان هشدارهای لازم برای اجتناب از کم‌آبی بدن به همراه برخی شرایط خاص مثل کار سنگین و استفاده از داروهای هورمونی توسط انجمن‌های پزشکی به اطلاع عموم رسانده می‌شود. آمار دقیقی در مورد بروز ترومبوز سینوسی در فصول مختلف سال و شیوع آن در سال‌های مختلف نمی‌توان ارائه داد، اما از روی مشاهدات بسیاری از متخصصان به نظر می‌رسد این هشدارها بی‌نتیجه نبوده و نه‌تنها بیماران کمتری در سال‌های اخیر به این بیماری مبتلا می‌شوند بلکه اطلاعات عمومی مردم هم در این زمینه افزایش پیدا کرده است. جریان خونی که هر لحظه با شتاب و با سرعت از طریق شاهرگ‌های اصلی گردن به مغز می‌رسد حجم خون زیادی است که نیازمند سیستمی کارآمد برای تخلیه هم هست. کوچک‌ترین عدم توازن مسئله‌ساز خواهد بود. عروق تخلیه‌کننده خون از مغز برخلاف عروق واردرکننده خون به مغز شبکه‌ای درهم‌پیچیده و بسیار انبوه هستند که سرعت جریان خون در آنها بالا نیست. در واقع خون از طریق این سیاهرگ‌ها از مغز فرو می‌ریزد. ترومبوز که در تعداد کمی از افراد رخ می‌دهد مایه شگفتی نیست، بلکه خلقت بی‌نقص و بدون ترومبوز اکثریت عظیم افراد است که انسان را به تعجب وامی‌دارد؛ آن هم در طول سالیان متمادی. فاکتورهای بسیاری جریان مداوم این غلیظ‌ترین ماده، خون، را در رگ‌ها و سینوس‌هایی نازک با جداریه نه از بلور که از جنس گوشت تضمین می‌کنند. ترومبوز سینوسی در همه اتفاق نمی‌افتد، تنها درصد بسیار کمی از افراد که نقصی در یک یا چند تا از فاکتورهای برشمرده داشته باشند آن هم در شرایط خاص دچار ترومبوز سینوسی می‌شوند. اما مشکل آنجاست که آن تعداد قلیل هم که در مقایسه با سایر بیماری‌ها و حوادث، عدد مطلق‌شان کم نیست تا قبل از بروز بیماری قابل شناسایی نیستند. بنابراین احتیاط‌های لازم برای پیشگیری از بیماری در تمام مردم در فصول گرم سال ضرورتا اجتناب‌ناپذیر است.

دور دنیا

تجارت ۲۵ میلیارددلاری روز مادر

اما کمی بعد همه‌چیز با تصور جاروبس فرق داشت. او تصور نمی‌کرد چ‌را مردم پول زیادی را صرف تزئین دسته‌گل‌های عجیب‌وغریب و کارت‌پستال‌های صوتی قدیمی‌های شگفت‌انگیز می‌کنند. اما بارها به صورت فیتی به این جملات اعتراض کرد. او معتقد بود: «از یک ایده زیبا به‌عنوان راهی برای سودآوری و منفعت‌طلبی استفاده می‌شود». اعتراضات جاروبس ادامه داشت. آن هم وقتی که خانم البیور روزولت از روز مادر برای ترویج سلامت و رفاه زنان و کودکان استفاده کرد. ۸۴ درصد از آمریکایی‌هایی که این روز را جشن می‌گیرند، انتظار می‌رود که امسال ۲۵ میلیارد دلار برای هدیه روز مادر صرف کنند که بیش از ۲۳۰۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ است. این بالاترین مقدار در تاریخ ۱۶ساله این نظرسنجی است. پیش‌بینی می‌شود بیشتر این پول به جواهرات اختصاص یافت؛ یعنی ۵.۲ میلیارد دلار. رکود امسال می‌تواند بخشی از قدرت اقتصادی ایالات متحده باشد.

او مبارزه کرد، نهنتها برای مادرش، بلکه برای مادران در همه‌جا. جاروبس سه سال پس از مرگ مادرش برای اولین‌بار در کلیسای منطقه خودشان این روز را به طور رسمی برگزار کرد. اما پس از شش سال و تلاش‌های بی‌نتیجه او در سال ۱۹۱۴، رئیس‌جمهور وودرو ویلسون یک لایحه را برای به‌رسمیت‌شناختن روز مادر به‌عنوان یک تعطیلی ملی امضا کرد؛ روزی که قرار بود از زحمات روزمره مادران قدردانی شود؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد امروز خیلی از این فلسفه دور است. آنا که خود بنیان‌گذار این روز بود، بعد اوقظ می‌خواست قدرداران مادرش باشد، اما به نظر می‌آید اگر زنده بود، شب‌ها کابوس می‌دید. او می‌خواست یک روز برای مادر باشد، روز مادر روزی است به افتخار شما «بهترین مادری که تا به حال زندگی کرده است».

دومین کشنبه هر سال در ماه می، روزی است که در آمریکا برای بزرگداشت روز مادر تعطیل غول رسانه‌ها در کلیسای مختلف به این روز پرداخته. غول جست‌وجوی گوگل با تغییر صفحه اول خود به چند جوجه‌اردک که دنبال مادرشان می‌روند سخو کرد به زحمات بی‌کم‌وکاست مادران در لحظات تلخ و شیرین زندگی اشاره کند. اما سی‌ان‌ان به بحث مادی‌شدن این روز و همچنین تفری که بنیان‌گذارش، آنا جاروبس داشته، پرداخت. به تحلیل این رسانه «روز مادر» به معنی تجارت بزرگ برای خرده‌فروشان است. هر نفر به طور میانگین ۱۹۶ دلار برای گل، ناهار، کارت‌پستال و سفرهای ویژه برای مادرش صرف می‌کند. درمجموع ۲۵ میلیارد دلار در این روز مبادله انجام می‌شود. آنا جاروبس این روز را به یاد مادرش پیشنهاد داد. مادری که آرزو داشت تنها یک روز به افتخار مادران نام‌گذاری شود. هنگامی که او در می ۱۹۰۵ درگذشت، جاروبس این راه را آغاز کرد.